

محمد جلیل عندلیبی از بازگشتش به عرصه موسیقی می گوید

دلکم می شکند اما هستم

«میهن» عصاره جان موسیقی من است

علی نامجو | محمد جلیل عندلیبی، یکی از موسیقیدانان قدیمی و اساتید برجسته سنتور است که نامش با خلق آثار ماندگاری برای محضر ضا شجریان، شهرام ناظری و... گره خورده است. او پس از سال‌ها فعالیت ناگهان در بیله عزت فرورفت و صدای ساز خود را به مدت ۷ سال خاموش کرد. حالا محمد جلیل عندلیبی «میهن» برگشته و قصد دارد با این آلبوم بار دیگر حضور خود در عرصه موسیقی ایرانی را اعلام کند؛ اثری که سال‌ها پیش با صدای محمدرضا شجریان ضبط شده اما این بار با تنظیمی جدید توسط سالار عقیلی به اجرا در آمده است. «میهن» به گمان محمد جلیل عندلیبی جان موسیقی او است و سالار عقیلی نیز به خوبی از پس اجرای این اثر برآمده است. این پژوهشگر و موسیقیدان اهل کردستان به عملکرد برخی از خوانندگان نسل جوان موسیقی ایرانی انتقادهای گزنده‌ای دارد و البته بعضی از اساتید این حوزه را مقصر اصلی می‌داند. ماحصل گفت‌وگوی ما با محمد جلیل عندلیبی، آهنگساز بنام موسیقی ایرانی را در ادامه می‌خوانید:

عندلیبی دوری از عرصه رسمی موسیقی

در این سال‌ها از سازم دور نبودم

۷ سال سکوت، زمان کمی به‌شمار نمی‌رود. در این سال‌ها به خلق اثر سرپر داخند یا اصلا آهنگسازی نکردید؟
اتفاق که باعث شدن من از دنیای موسیقی فاصله بگیرم عدم رعایت حق کپی‌رایت در کشور ما بود. دل شکسته می‌شوم زمانی که می‌بینم حاصل سال‌ها زحمت و تلاش من بدون پرداخت حق و حقوق مؤلف پخش می‌شود. این نملایمات سبب شد گوشه‌نشینی را بر فعالیت ترجیح دهم. البته گوشه‌نشینی من به معنای این نیست که در این ۷ سال از سازم نیز دور بودم، بلکه چندین آلبوم آماده کرده‌ام که حتی مراحل اخذ مجوز را نیز طی کرده است. شاید جالب باشد بدانید تعداد آلبوم‌هایی که در این سال‌ها ساخته‌ام از انگشتان ۲ دست هم تجاوز می‌کند. برخلاف این که تصور می‌شود در چند سال گذشته روزها و شب‌ها را در سکوت و به دور از موسیقی گذراندم اما بیشتر از همیشه کار کرده‌ام.
در خصوص آثاری که گفتید مراحل انتشار را پشت‌سر می‌گذارند، صحبت کنید...



بازگشت با «میهن»

کار را به شجریان تقدیم کردیم

الکوی نیز داشتید یا کاملا مستقل عمل کردید؟

جد من عبدالصمد عندلیبی بود که نوازنده مشهور دف محسوب می‌شود و قطعه جاودانه «باز هوای وطنم، وطنم آرزوست» متعلق به او است. حدود ۳۰ سال پیش زمانی که در تهران دانشجوی بودم، بخشی از موسیقی آیینی زادگاهم، کردستان را به همراه دف و سه‌تار اجرا کردم. در ادامه موسیقی عرفانی کردستان را با پی‌ریزی کردم و این موسیقی نوین را در قالب آلبوم «هسی گل» ارائه دادم. این من بودم که ارکستر موسیقی نواحی را با سه‌تار و دف در تالار وحدت به روی صحنه بردم. موسیقی دستگامی یا مجموعه‌ای از ملودی‌های مذهبی و سنتی است که در رویش خان تصابا در حفظ و نگهداری آن کوشیدند. از نسوی دیگر موسیقی زادگاه من یعنی کردستان، از ۴ بخش تشکیل شده است: موسیقی اصیل کردی، موسیقی عرفانی، موسیقی سنتی و موسیقی فولکلوریک. موسیقی کردستان گستردگی زیادی دارد.



از آلبوم «میهن» برای ما بگویید. در صحبت‌های شما شور و شوق زیادی نسبت به این اثر احساس می‌شود. چه چیزی «میهن» را برای شما به اثری ویژه تبدیل کرده است؟

یکی از افتخارات من ساخت قطعه «میهن» است. این اثر را با نگاهی به «گل‌های رنگارنگ» خلق کرده‌ام. در این کار، استاد امیرحسین رضا تکنوازی تار را برعهده داشته‌اند. آهنگسازی و تنظیم برعهده خودم بوده و آواز را هم که سالار عقیلی اجرا کرده است. البته همان‌طور که می‌دانید این کار سال‌ها پیش با صدای محمدرضا شجریان پخش شده است. نزدیک به ۴۰ سال پیش استاد شجریان این قطعه را اجرا کردند. در اجرای جدید سعی کردم تمامی تجربیاتم را جمع و در این اثر سرازیر کنم. این اثر با تنظیم و ارکستری جدید اجرا شده و به نظر خودم کار خوبی از آب درآمده است. البته من و سالار این اثر را به محمدرضا شجریان تقدیم کرده‌ایم تا رسم ادب را به جای آوریم.

شما در خانواده‌ای هنرمند دیده به جهان گشودید و رشد کردید. آیا در راه موسیقی

آسیب‌شناسی معضلات موسیقی امروز

ستیز یا شبه‌علم

لطعات جریان ناپذیری را به پیکره موسیقی ایرانی وارد کرده‌اند. البته می‌توان گفت خالی شدن عرصه از حضور بزرگان باعث شده این افراد بتوانند به راحتی در موسیقی ایرانی جولان دهند. اگر گلپایه، ایرج، بنان، قوامی و... می‌توانستند بخوانند و صدای آنها ممنوع نمی‌شد، جای برای خودنمایی این افراد باقی نمی‌ماند. البته خودم در همین دوره به ساخت اثر پرداخته‌ام و نمی‌خواهم خودم را امیراکنم و دیگران را در مظان اتهام قرار دهم. اما من موسیقی بتج ضربی و هفت ضربی را که پیش از آن در موسیقی ایرانی استفاده نمی‌شد، وارد موسیقی کردم. شاید بعضی‌ها صحبت‌های من را به حساب غرور و نخوت بنگارند اما باید ببینیم که محمد جلیل عندلیبی یکی از تأثیرگذارترین موسیقیدانان این سرزمین است. بیش از ۳۵ سال است که در موسیقی ایرانی فعالیت دارم و روزی من نشان می‌دهد آثار ماندگاری در موسیقی این سرزمین، نام من را در خود دارد. همچنین خودم فکر می‌کنم روندی که در این سال‌ها در پیش گرفته‌ام صعودی بوده است. به‌طور مثال اجرای «میهن» با صدای سالار عقیلی بسیار بخته‌تر از کاری است که سال‌ها پیش محمدرضا شجریان خوانده است. دلیل این بختگی نیز به تجربه‌اندوزی من برمی‌گردد. همچنین کیفیت کار نوازندگان ارکستری که همراه با سالار عقیلی ساز زده‌اند، با ارکستر سی و چندسال پیش قابل مقایسه نیست. اساتیدی مانند امیرحسین رضا در این کار حضور دارند. همچنین دختر و پسر من، سالار و سالار همراه ما بوده‌اند و خودم نیز نوازندگی سنتور را برعهده داشته‌ام. دلم برای «میهن» آرام است، چون تمام خود را برایش گذاشته‌ام. هر چه داشتم را از ایه داده‌ام و می‌دانم مردم آن‌دل از حق من بی‌ادرا در دل خود می‌نشانند. اجرای زیبای سالار عقیلی نیز به خوبی حق مطلب را ادا کرده و سبب شده نزد مخاطبان موسیقی ایرانی رسفید شوم. به جرات می‌توانم از حالاً موفقیت این اثر صحبت کنم.

فکر می‌کنید چه عاملی باعث شده برخی از خوانندگان موسیقی ایرانی به چنین سمت‌وسویی متمایل شوند؟
من سرچشمه مشکلات اینترنتی می‌دانم. متأسفانه اینترنت به جوانان ما «شبه‌علم» می‌دهد، یعنی بر جوانان مشتبه می‌کند به دانشی که زمینه موسیقی دست یافته‌اند. در حالی که روزه‌خانه کم‌عمقی را به آنها نشان می‌دهد. به‌طور مثال یک جوان چند مطلب کوتاه در مورد موسیقی ایرانی می‌خواند و به این باور می‌رسد که به تمامی رویای این موسیقی دست یافته است. چطور ممکن است چنین دانشی با اینترنت به دست بیاید؟ موسیقی ایرانی اقبالی‌بسی بی‌کران است که حتی اساتید موسیقی نیز به سال‌ها در این راه خون‌ریز کرده‌اند به تمامی گوشه‌های آن پسی نهداند. همچنین همه ابزار و امکانات برای جوانان مهیاست. هر فردی در این جامعه به راحتی می‌تواند با یک کامپیوتر، قطعه‌ای را ضبط و به سرعت در اینترنت پخش کند. بدین ترتیب کاری ضعیف که هیچ ریشه و اصالتی ندارد، به راحتی در گوش و ذهن مردم نفوذ می‌کند. به همین دلیل این جوان که دانش چندانی هم ندارد دست به تولید کارهایی می‌زند که به جرات می‌توانم آنها را پرتوبلا بنامم. برخی از این خوانندگان با موسیقی‌های ضعیف‌خفگی که تولید می‌کنند، واقعا در حال اهانت به اشعار بزرگانی مانند مولانا، سعدی و حافظ هستند. نمی‌توانیم هر چه دلمان خواست را به اسم موسیقی بر اشعار فاخر نام سوار کنیم و مدعی شویم موسیقی ایرانی ساختاریم. بارها با مردمی برخورد کرده‌ام که روح و روان آنها پس از شنیدن این قطعات بد، موشوش شده است. هر چند اعتقاد دارم تمامی تقصیرها متوجه خوانندگان نسل جوان نیست و این مسأله ریشه در گذشته دارد.

می‌شود کمی واضح‌تر صحبت کنید؟

برخی از اساتید موسیقی ایرانی که بسیار بنام هستند و مریدان فراوانی هم دارند، با وجود کارنامه موفق،

مسیری که آهنگساز نغمه‌های ماندگار طی کرد

شجریان، ناظری و حالا عقیلی

«بمیرید بمیرید» مولانا هم تصنیف پایانی آلبوم است. در واقع آلبوم «میهن» شامل مرکب خوانی و مرکب نوازی است. به همین دلیل تأکید دارم که آلبومی ارزشمند و قابل دفاع است. همچنین ژانر صادقان، گوینده رادیو و تلویزیون نیز در این اثر با ما همکاری کرده است. البته کاری را برای ما دکلمه نکرده، بلکه در مورد بحث کپی‌رایت صحبت‌هایی داشته است. همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم عرض کردم کپی‌های غیرقانونی من را غمگین و دل شکسته کرده است. ژانر صادقان از سال‌ها تلاش و زحمت برای تولید این اثر می‌گوید و از مردم می‌خواهد آلبوم را به صورت نسخه اصلی تهیه و از حقوق مؤلف حمایت کنند. از آسیب‌های اینترنت و ضربه‌ای که به موسیقی ایرانی زده، صحبت کردم. معتمد اینترنت باعث شده حق و حقوق ما تضییع شود. ما به تنهایی نمی‌توانیم حق خود را بگیریم، بلکه شما (سازمان) باید به ما کمک کنید تا اجازه ندیم حق ما را بخورند. من زندگی خود را گذاشته‌ام و اثری در خود توجه‌ار ایه داده‌ام و به جرات می‌گویم بهترین کاری است که سالار عقیلی تاکنون خوانده است. «میهن» عصاره جان موسیقی من است. نگران باز خورد این اثر میان مردم نیز نیستم، چرا که سال‌ها پیش با صدای محمدرضا شجریان پاسخ خود را از این کار گرفته‌ام. شاید باور این سخن برایتان سخت باشد اما معتقدم نه تنها «میهن» بلکه حداقل سایر دیگر آلبوم‌ها ماندگار خواهند شد. شاید سنی از من گذشته باشد و مویی سپید کرده باشم اما نه در کارم افتی داشته‌ام و نه به فراموشی دچار شده‌ام. به لطف خدای مهربان هنوز هم با قدرت کار می‌کنم. «میهن» یکی از بهترین آثار من است، چون چیزی از نظر آهنگسازی، چه از نظر تنظیم و چه از نظر آواز و حتی از نظر طراحی روی جلد بی‌نظیر است. در این کار چندان به فکر خودم نیستم، زیرا می‌دانم دشمنان زیادی دارم که نمی‌خواهند موفقیت من را ببینند اما از صمیم قلب آرزو دارم اوج‌گیری سالار عقیلی را ببینم. من سال‌ها موسیقی را با صداقت ساخته و نواخته‌ام و می‌دانم مردم بهترین قاضی هستند.

چون انتشار اثری جدید از سالار ممکن است باعث شود توجه مردم از «میهن» برداشته شده و جان این قطعه را یافت نکنند.
همان‌طور که در صحبت‌هایم عرض کردم دوستی و همنشینی برای من در درجه نخست اهمیت برای همکاری قرار دارد. سالار به‌حدی باشخصیت و دل‌پاک است که هم‌کاری با او لذت می‌برم. البته توصیه‌هایی هم به او داشته و دارم. همیشه تأکید کرده‌ام که پول را در اولویت قرار ندهد و از سوی دیگر آلبوم‌های خود را با فاصله زمانی کم منتشر نکند. حتی به سالار گفته‌ام پس از انتشار «میهن» مدتی کاری نخواند. در مورد دیگر خواننده‌ها باید بگویم گاهی اوقات کارهایی را می‌شوم که واقعا متاثر می‌شوم. به‌طور مثال برخی خوانندگان جوان آمده‌اند موسیقی ایرانی را با سازهای الکترونیک غربی در آمیخته‌اند و کارهای بسیار سخنی‌افرا ایه داده‌اند. این موسیقی هاروی روح و روان آدمی اثر منفی می‌گذارد. در حالی که موسیقی ایرانی پیام‌آور صلح و آرامش است. موسیقی ایرانی را نباید با دیگر موسیقی‌ها مقایسه کرد، چرا که موسیقی ایرانی فراتر از یک موسیقی است. این موسیقی در خود تاریخ و فرهنگ غنی را جای داده و زبان و بیانی منحصر به‌فرد دارد.
کمی جزئی‌تر در مورد آلبوم «میهن» صحبت کنید. این آلبوم از چه قطعاتی تشکیل شده و حال و هوای باری دارد؟
قطعه نخست در دستگاه اصفهان آغاز می‌شود، با تکنوازی تار ادامه پیدا می‌کند و در دستنی فرود می‌آید. تصنیف دوم قطعه «میهن» است و بار دیگر تکنوازی تار خودنمایی می‌کند و راه به دستگاه شور می‌برد. تصنیف در دستگاه شور اجرا کرده‌ام و سپس آوازی از این دستگاه آغاز می‌شود و به اصفهان می‌رود. شعر زیبای

این سال‌ها هیچ‌گاه منتشرش نکردم. البته تصمیم گرفته‌ام این آلبوم را با صدای خواننده جدیدی روانه بازار کنم. سالار عقیلی و پسر من، سالار عندلیبی گزینه‌های موردنظر من برای اجرای این قطعات هستند.
همین اتفاق در مورد همکاری شما با دیگر چهره برجسته موسیقی ایرانی رخ داد. چرا همکاری با شهرام ناظری نیز مانند شجریان ادامه نداشت؟
من در مورد آثاری که برای شهرام ناظری ساخته‌ام نیز ادعاهای فراوانی دارم. تنها کافی است به قطعاتی مانند «بی‌قرار» و «مطرب مهتاب‌آور» گوش فرا دهید تا متوجه تفاوت کارها شوید. به‌نظر من صدا، تحریرها و تلفیق‌ها بسیار درست هستند و در صحیح‌ترین جای ممکن قرار گرفته‌اند. کسی نمی‌تواند دلنشین‌تر از این چند اثر پیدا کند.

از محمدرضا شجریان و شهرام ناظری عبور کنیم و به سالار عقیلی برسیم. خوانندگان جوان فراوانی در موسیقی سنتی ایران وجود دارند که هر یک از جایگاهی برای خود برخوردارند. چه شد که در این میان سالار عقیلی را برای اجرای «میهن» برگزیدید؟

من کسی هستم که نزدیک به ۴۰ سال پیش ساز دف را به ارکستر آنسامبل ایرانی اضافه کرده‌ام و از تجربه فراوانی در موسیقی برخوردارم. بنابراین زمانی که صدای یک خواننده را می‌شنوم، می‌فهمم که او چند مرحله جد است و آیا توانایی اجرای قطعات سخت را دارد یا خیر. به‌نظر من سالار عقیلی به‌حدی خواننده توانایی است که نباید هر کاری را اجرا کند. برخی معتقدند یک هنرمند در هر زمینه‌ای چه خواننده، چه بازیگر، چه کارگردان، چه نقش و چه... باید مدام با خلق اثری جدید حضور خود را اعلام کند تا از یادها نرود و مردم او را فراموش نکنند. در حالی که من اعتقاد دارم بر خلاف تصور، مردم علاقه دارند هنرمند محبوب‌شان کمتر در انتظار حاضر شود. سالار عقیلی خواننده‌های بسیار تواناست که باید فاصله خود را حفظ کند و هر کاری را اجرا نکند. حتی بر این باور هستم پس از انتشار آلبوم «میهن» سالار باید مدتی در سکوت هنری به سربرد تا مردم «میهن» را باو درک کنند،

کارنامه کاری شما نام‌های متفاوتی را در خود جای داده و از این بابت عجیب به‌نظر می‌رسد. از خوانندگان زنی چون حمیرا و پریسا گرفته تا محمدرضا شجریان و علیرضا افتخاری. چگونه می‌توان این تفاوت‌ها را توجیه کرد؟

یکی از کارهای مورد علاقه من آلبومی به نام «مرغ اسیر» با صدای خانم پریسا است. این آلبوم حدود یک ساعت‌ه آماده انتشار بود اما مسئولان وقت اجازه ندادند منتشر شود. «مرغ اسیر» تصانیفی را با اجرای ارکستر «مولانا» در خود دارد که اساتیدی مانند منصورخان، بهنام وادانی و استاد داوود گنجی‌های نوازندگان آن بوده‌اند. این ارکستر نزدیک به ۴۰ سال سابقه دارد و یکی از قدیمی‌ترین ارکسترهای ایران محسوب می‌شود. به جرات می‌توانم بگویم در بیست‌و چندسالگی آثار قابل تأمل و ابرومندی را ساخته‌ام. آثار خاطر‌هانگیز و ماندگاری مانند «کجایید ای شهیدان خدایی» با نوازندگی خودم، استاد فروهری، استاد گنجی‌های، استاد کیانی‌نژاد و... اجرا شده و با آهنگسازی و سرپرستی خودم ضبط شده است. در خصوص تفاوت فرم صدایی و سبک خوانندگانی که با من همکاری داشته‌اند باید بگویم بیش از هر چیز دوستی و همنشینی در انتخاب‌های من تأثیر داشته است. به‌طور مثال شهرام ناظری، محمدرضا شجریان و شاپور رحیمی در سال‌ها از دوستان نزدیک من بودند، ما رفت‌وآمدهای خانوادگی داشتیم و ساعات زیادی از روز را با یکدیگر می‌گذرانیدیم. این همنشینی‌ها به همکاری و خلق آثار مشترک می‌انجامید.

چرا زوج محمد جلیل عندلیبی و محمدرضا شجریان بعد از «میهن» به تولید آثار دیگری دست‌نزدند؟

اتفاقا من چند کار در دستگاه بیات ترک برای محمدرضا شجریان ساختم که کار به مراحل نهایی هم رسید و حتی در استودیو ضبط شد اما بنابر دلایلی همکاری ما ادامه پیدا نکرد و کارها به مرحله انتشار نرسید. از نسوی شجریان بیمار شد و ایران را ترک کرد و از سمت دیگر من هم با مشکلات عدیده خانوادگی دست‌وپنجه نرم می‌کردم و همین موضوعات علیرضا نداد همکاری ما تا اتمام پیدا کند. این آلبوم از آن زمان نزد من است و در